



# پارسه پاسارگاد

Parsa Pasargadae

Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

سال پنجم / شماره ۱۴ / بهار ۱۳۹۹



# پارسه پاسارگاد

شماره صفحه

■ عکس روی جلد: نمایی از کاخ اختصاصی در پاسارگاد- عکس از : افشین آریافر

- ۱ ■ سخن سردبیر: یادداشت دکتر حمید فدایی
- ۲ ■ اختصاصی: درگذشت «دیوید استروناخ» کاوشگر اسکاتلندی پاسارگاد
- ۳ ■ بازتاب: نگاهی به پدیده وندالیسم
- ۶ ■ رویداد: گزارشی مختصر از فعالیتهای فصل بهار کارگروههای مختلف در تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد
- از دریچه دوربین: نمایی از محوطه پاسارگاد در یک روز بهاری- عکس از : افشین آریافر
- ۲۰ ■ گزارش یک دیدار: پروفسور شهریار عدل به تنهایی خود لشکری بود برای این خاک
- ۲۲ ■ روایت یک بازدید: کوه یعقوب، اثری اسلامی یا هخامنشی؟
- ۲۴ ■ صنایع دستی، گردشگری و بوم گردی: نمودمالی، هنری کهن اما فراموش شده
- ۲۶ ■ بیشتر بخوانیم: تاریخچه بیماریهای عفونی و باکتریایی شایع در ایران



## پارسه پاسارگاد

پارسا pasargadae فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد  
سال پنجم / شماره ۱۴ بهار ۱۳۹۹ Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

مدیر مسئول: حمید فدایی- افشین ابراهیمی

سردبیر: حمید فدایی

ویراستار: مهرناز بردبار

امور اجرایی: مهرناز بردبار- فرزانه گرامی

هیات تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

طراحی لوگو، یونیفرم و صفحه آرای: افشین آریافر / کانون تبلیغات کوب: ۰۹۱۷۱۱۶۶۱۱۵

نشانی:

دفتر شماره ۱: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

دفتر شماره ۲: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

تلفن دفتر شماره ۱: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۲ تلفن دفتر شماره ۲: ۰۹۱-۴۳۵۸۲۷۹۰-۹۱

دورنگار: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۷۳

آدرس وب سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد:

[www.persepolis.info](http://www.persepolis.info)

[www.pasargadae.info](http://www.pasargadae.info)

تلگرام:

@persepolis\_world\_heritage\_site

@pasargadae\_world\_heritage\_site

ایمیل:

[info@persepolis.ir](mailto:info@persepolis.ir)

که خود محصول وحدت جغرافیایی هستند. گاهی محیط پیرامونی اثر به واسطه ارزش های منظر، عضو با ارزش تر از خود مجموعه تلقی می گردد. بنابراین ضرورت دارد ارزش های محیطی مدام مورد شناسایی ارزشیابی و حفاظت قرار گیرند؛ چرا که اصل اثر زنده به چنین ارزش هایی است. تحلیل اینکه کدام مشخصات به مکان هویت می بخشند چارچوبی مفهومی فراهم می سازد و حفاظت از یکپارچگی ساختاری مکان، به چنین چارچوبی وابسته است.

امروزه ارزش های مکانی و زمانی تخت جمشید در پهنه دشت مرودشت که از مهمترین بسترهای زایشی امپراتوری هخامنشی است، گسترده شده است. تخت جمشید محصول یکپارچگی نظام جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و طبیعی در چنین پهنه ای است و پیوستگی بین ارزش های گوناگون را در بر می گیرد. لذا چگونگی مشارکت مردم در حفظ و تداوم این ارزش ها حایز اهمیت فراوان است. قدر مسلم در مبحث مدیریت حفاظت، نزدیک کردن جوامع محلی به میراث و خود آگاهی ایشان به ارزش های متقابل می تواند بستر مشارکت حفاظتی را فراهم سازد. علاوه بر این، مدیریت حفاظت در پهنه منظر فرهنگی تخت جمشید به جنبه های با ارزش ملموس و یا ناملموس طبیعی و فرهنگی از جمله فنون و ساخت و ساز بومی، آداب و رسوم، آیین ها و مناسک مذهبی و غیره توجه خواهد داشت.

درک چنین یکپارچگی در پهنه تاریخی تخت جمشید نه تنها می تواند رابطه انسان با محیط تاریخی خود را به درستی ترسیم نماید بلکه چنین رابطه ارزشمندی امروزه قادر است در فرآیند توسعه به گردشگری منطقه نیز رنگ و لعابی تازه بخشد. به دلیل پویایی محیط که به ذات و همواره در حال تغییر است نمی توان و نباید محیط اثر را کاملاً محدود و منجمد کرد، لذا ضمن آنکه ارتباط جغرافیایی و فرهنگی اثر با محیط مورد حفاظت قرار می گیرد ضرورت دارد اثر در فرآیند توسعه نیز قرار گیرد. در عمل موفقیت در اجرای چنین راهبردی با دشواری فراوان و ظرافت ویژه روبرو است و ممکن نخواهد بود جز بر بستری از دانش که خود از شناخت ارزش های منظر تغذیه خواهد شد. در غیر اینصورت با هجوم ساختارهای مدرن امروزی، اندک اندک مفاهیم محیطی و منظر رنگ خواهد باخت، پوشش گیاهی دشت، توپوگرافی و زیست بوم آن تغییر خواهد کرد و روابط بین این همه مبهم و غیرقابل درک خواهد شد. این دگرگونی می تواند آثار را به مفاهیمی کاملاً ایستا و با درون مایه ای صرفاً تاریخی بدل نماید و در این میان ارتباط و پیوستگی اطلاعاتی آثار با زمینه و بستر آن از دست خواهد رفت.



## حمید فدایی

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید  
عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

اگر چه ارزش های تاریخی در محوطه ای همچون تخت جمشید ذاتاً شرط لازم جهت هویت بخشی به چنین مجموعه با شکوهی است اما در طول دهه های گذشته ارزش های مکمل دیگری که دربرگیرنده مفاهیم طبیعی و منظر است جهت این محوطه و محوطه های مشابه مطرح شده است. منظر فرهنگی را می توان نتیجه و محصول تعامل ساختاری بین انسان و طبیعت در بستر تاریخ دانست که باعث می گردد تحولاتی سازنده در محیط حادث و به ارزش های منظر افزوده گردد. از آنجا که این تعامل با تعادل و وحدت انسان با محیط پیرامونی خود همراه است به وحدت جغرافیایی می انجامد و به تعبیری در مناظر فرهنگی جغرافیا در خدمت تاریخ بستری می گردد. بدین سبب جهان بینی ما نسبت به تاریخ از مسایل صرفاً قدمتی به لزوم تعاملات سازنده بین انسان و محیط بعنوان واحدی پویا با تعاملات گسترده فی مابین دگرگون می شود و به واقع ارزش های ذاتی و محیطی منبعث از چنین رویدادی است که سازنده مقوله فرهنگ است.

وقتی منظر فرهنگی شکل می گیرد لاجرم صاحب ارزش هایی هم می شود که نیازمند شناسایی و حفاظت هستند. از جمله مهمترین این ارزش ها، ارزش های سنتی برخاسته از وحدت انسان و طبیعت بوده

ملایر اولین آتشکده و اولین بنای خشتی دنیا، یعنی ارگ باستانی نوشیجان ملایر مربوط به دوره ماد را شناسایی و کاوش کرد که بدون تردید فصلی نو در پژوهش‌های مادشناسی ایفا کرد و ابهام‌های دوره ماد را تا حدودی روشن کرد. «پاسارگاد: گزارشی از کاوش‌های انجام‌شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا»، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران»، «پاسارگاد مرکز جهان»، و «نوشیجان ۱: بناهای بزرگ دوره ماد»، «سفال دوره ماد نوشیجان» و ترجمه کتاب «معماری تپه نوشیجان ملایر» از جمله پژوهش‌های مهم او در زمینه ایران‌شناسی و باستان‌شناسی است.

روحش شاد و یادش گرامی



## درگذشت «دیوید استروناخ» کاوشگر اسکاتلندی پاسارگاد

دیوید استروناخ (۱۹۳۱ - ۲۰۲۰) باستان‌شناس و ایران‌شناس اسکاتلندی که سابقه کاوش در چندین محوطه تاریخی ایران از جمله پاسارگاد را داشت، بامداد هفتم تیرماه ۱۳۹۹ در سن ۸۹ سالگی درگذشت. استروناخ خدمات شایانی به باستان‌شناسی و فرهنگ ایران کرده است. وی مهمترین کاوش‌های باستان‌شناسی در پاسارگاد میان سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ میلادی را به نمایندگی از موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا انجام داد. کتاب او درباره پاسارگاد هنوز در ردیف کتاب‌های مرجع قرار دارد. استروناخ مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۹۵۸ از دانشگاه کمبریج دریافت کرد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی مدیر موسسه بریتانیایی پژوهش‌های ایرانی در تهران بود. او در دهه ۹۰ نیز اقدام به کاوش‌های باستان‌شناسی در چندین بخش نینوا در میان‌رودان کرد. وی استاد دانشگاه برکلی بود و میان سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ کاوش‌های گسترده‌ای در تپه نوشیجان همدان انجام داد. استروناخ برنده سی و نهمین مدال انجمن باستان‌شناسی آمریکا و از نویسندگان دانشنامه ایرانیکا است. او در بررسی‌های انجام‌داده در

## وندالیسم یا تخریب گری چیست ؟

وندالیسم، تخریب کنترل نشده اشیاء و اموال عمومی است که از عجیب ترین ناهنجاری های فردی و اجتماعی به حساب می آید و دلایل مختلفی برای آن عنوان می شود. وندالیسم را در زمره انحرافات و بزهکاری های جوامع نوین دسته بندی می کنند و آن را واکنشی کینه توزانه نسبت به برخی از فشارها، تحمیلات، ناملایمات، اجحاف ها و شکست ها بررسی می کنند. ناسازگاری های حاکم بر روابط فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی اقتدار اخلاقی در تنظیم روابط بین افراد، زلزله نهاد های خانواده و جامعه در انتقال ارزش های اجتماعی و فرهنگی را اندیشمندان از مهمترین دلایل این پدیده می دانند.

### علل ظهور پدیده وندالیسم:

بررسی های روان شناسی و تربیتی نشان می دهد وندالیسم غالباً اکتسابی است و از شرایط محیطی ناشی می شود. نوجوانان و جوانان متهمان اصلی این نوع رفتارهای خرابکارانه هستند و وضعیت اجتماعی جوامع نظیر سطح درآمد، امکانات رفاهی و معیشتی، تفاوت های طبقاتی، مهاجرت و ... وقوع آن را تشدید می کند.

علل وقوع وندالیسم مجموعه ای پیچیده از عوامل فرهنگی و اجتماعی می باشد که در جامعه معضل بیکاری، پر نشدن اوقات فراغت و تخلیه نشدن هیجانانگیز روحی نوجوانان، مهم ترین آنهاست. نقش رسانه ها و مراکز فرهنگی و آموزشی نظیر دانشگاه ها، مدارس و ... در جامعه پذیری جوانان و جلوگیری از بروز مشکلاتی نظیر وندالیسم بسیار موثر است. شرایط فرهنگی جامعه نشان می دهد هر جا که رسانه ها دست به کار شده اند و برای فرهنگ سازی به صورت جدی برنامه ریزی و عمل کرده اند، نتایج مطلوبی حاصل شده است. اطلاع رسانی درباره علل، نتایج و تبعات فردی و اجتماعی وندالیسم یک ضرورت جدی محسوب می شود و می توان انتظار داشت افزایش آگاهی ها به کاهش مخاطرات و آسیب ها در این حوزه بینجامد.

### دسته بندی وندالیسم:

وندالیسم به دو دسته فردی و گروهی تقسیم می شود. وندالیسم "گروهی" با برنامه و هدفی مشخص اجرا می شود، مانند آنچه گروه تروریستی داعش با آثار تاریخی و فرهنگی سوریه کرد. اما وندالیسم "فردی" اغلب برنامه و هدف مشخصی ندارد. اگرچه وندالیسم گروهی بیشتر و آشکارتر یا پررنگ تر جلوه می کند، اما در عمل، آسیب های پنهان اجتماعی و اقتصادی وندالیسم شخصی بسیار گسترده تر و عمیق تر است. وندال ها آسیب و تخریب اموال عمومی را راهی برای بیان اعتراضات و کمبودهای روحی خود می دانند، مسیری که گستره شمول آن بسیار وسیع است و تخریب نقاشی ها و مجسمه های گالری های هنری، آثار باستانی در موزه ها، بناهای تاریخی، اماکن مذهبی، مجسمه ها، نیمکت و صندلی های عمومی، فضاهای سبز، سطوح زباله و ... در جنگل ها، پارک ها و میادین، چراغ ها و بجه های تلفن های خیابانی، اموال رستوران ها و هتل ها، صندلی های سینما، مترو، قطار، اتوبوس، هواپیما و ورزشگاه ها، ریل های قطار، آسانسورها،



نمونه یادگارنویسی بر قله الوند همدان

### نگاهی به پدیده وندالیسم:

محمد جواد اولاد حسین، دانشجوی دکترای زبان های باستانی و مدیر داخلی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

مشکلات اجتماعی پدیده های تاریخی و جهانی اند و بشر در فراز و نشیب تاریخ همیشه از آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی رنج برده و همواره در جستجوی علل و انگیزه های این مشکلات بوده تا راههایی برای رهائی از آنها بیابد.

شکل، اندازه و گستردگی کج رویها و آسیب های اجتماعی به اندازه ای است که در جوامع مختلف و در بین اقشار و طبقات مختلف نگاهی یکسان به آنها میسر نیست. با این وجود هیچ گروه و جامعه ای از پرداختن به این مشکلات اجتماعی غفلت نورزیده و همواره اندیشه ورزان از جمله روانشناسان اجتماعی، جامعه شناسان و حقوقدانان و گردانندگان جامعه در این موضوع بحث و بررسی و اظهار نظر کرده اند.

یکی از انواع آسیب های اجتماعی «وندالیسم» یا جنون تخریب اموال عمومی است. کارشناسان و آسیب شناسان اجتماعی وندالیسم را در زمره انحرافات و بزهکاری های جوامع جدید دسته بندی می کنند و آن را عکس العملی خصمانه و واکنشی کینه توزانه نسبت به برخی از فشارها، تحمیلات، ناملایمات، اجحاف ها و شکست ها تحلیل می کنند.



سر جان مالکوم سفیر عالی رتبه بریتانیا در دربار ایران که با فتحعلیشاه معاهداتی بست و تاریخ مهمی درباره ایران نوشته است. او از جمله اشخاصی بوده که نام خود را بر کاخ دروازه همه ملتها نوشته است!

دانند. میل به جاودانگی در طول تاریخ حیات بشری همراه انسان بوده و نمی‌توان کسی را یافت که رویای جاودانگی و ماندگاری نام و نشان خود را نداشته باشد. اما اضافه کردن هر نوشته‌ای که در اصل اثر تاریخی تغییر ایجاد کند و موجب تغییر در ظاهر و ماهیت اثر شود، رفتاری مخرب تلقی می‌شود.

برخی بدون شناخت زبان‌های مادی و معنوی رفتار خود، اقدام به ایراد آسیب و تخریب آثار تاریخی و فرهنگی می‌کنند. اما گروهی با وجود اطلاع از ارزشمندی آثار تاریخی، با رفتاری مغرضانه، درصدد آسیب رسانی به این گنجینه‌های ذوق و فرهنگ بشری هستند، بنابراین حتما اقدام گروه دوم از ناهنجاری‌های شخصیتی و رفتاری سرچشمه می‌گیرد. برخی اندیشمندان وندالیسم را از مهمترین بیماری‌های اجتماعی بشر امروزی می‌دانند و سیستم‌های مدیریت اجتماعی به دنبال درمان و جرم‌انگاری این رفتار پرخطر و تهدیدکننده اساس فرهنگ جامعه خود هستند. در ایران نیز بر اساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی تخریب اموال تاریخی- فرهنگی، جرم محسوب شده و برای آن متناسب با نوع آسیب و تخریب اثر مجازات در نظر گرفته شده است. بر این اساس «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است... یا تزئینات، ملحقات، تاسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک الی ۱۰ سال محکوم می‌شود».

#### راهکارهای مبارزه با وندالیسم:

ممکن است آسیب وارد شده به یک اثر تاریخی غیرقابل جبران باشد، پس نگاه پیشگیرانه و فرهنگ سازی و آگاهی

کتاب‌های کتابخانه‌های عمومی، در و دیوارهای شهر، اموال مدرسه، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، انبارها و استخرهای عمومی، دستشویی‌های عمومی، عابر بانک‌ها و... آتش‌افروزی در جنگل‌ها و انبارهای عمومی، شکستن لامپ‌ها در گذرگاه‌های عمومی و پارک‌ها، شکستن شیشه‌های خانه‌های متروکه، بمب‌گذاری با هدف تخریب اموال عمومی (و نه آسیب‌های انسانی) و بسیاری موارد دیگر را در بر می‌گیرد.

#### وندالیسم فرهنگی:

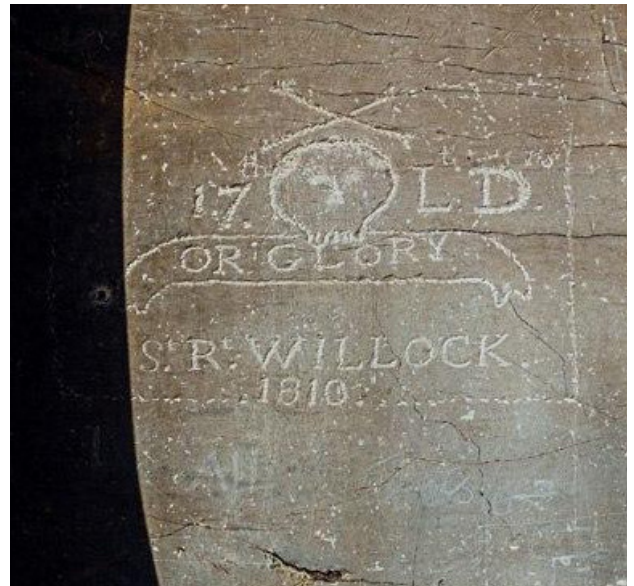
تخریب کنترل نشده و آسیب زدن به اشیاء و آثار فرهنگی با ارزش که یک ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید را «وندالیسم فرهنگی» و فردی که این کار را انجام می‌دهد در اصطلاح جامعه‌شناسان «وندال فرهنگی» یا تخریب‌گر آثار فرهنگی می‌نامند که متأسفانه تخریب آثار تاریخی و فرهنگی از سوی آنها دارای عوارض و پیامدهای مادی و معنوی بسیار است.

در وندالیسم فرهنگی تخریب آثار تاریخی و به ویژه دیوار نویسی که بیشتر تحت عنوان یادگاری از سایر موارد بیشتر به بسیار دیده می‌شود، افراد بدون توجه به ارزش فرهنگی و قدمت آثار تاریخی و فرهنگی اقدام به تخریب خواسته یا ناخواسته می‌نمایند. یادگاری نویسی از مصادیق وندالیسم فردی است که اغلب بدون برنامه و هدف انجام می‌شود.

به گفته اغلب کارشناسان حوزه میراث فرهنگی نوشتن بر روی آثار و بناهای فرهنگی از جدی‌ترین عوامل تخریب و نابودی آثار تاریخی است که می‌تواند زودتر از هر تهدیدی سرمایه‌های فرهنگی هر ملتی را نابود کند. سرمایه‌هایی که دیگر به راحتی قابل بازگشت نیست و شاید هم هرگز بازگشتی برای آنها متصور نباشد. نوشتن یادگاری یا هر چیز دیگر بر روی آثار تاریخی و فرهنگی، معمولاً توسط افرادی انجام می‌شود که اطلاع کافی از اهمیت آثار تاریخی و نقش آنها در بنیان فرهنگی جامعه خود ندارند و چیز زیادی از لزوم حفظ این آثار نمی‌دانند.



یادگاری های نوشته شده بر روی پل صلوات آباد در مسیر جاده بیجار به تکاب



نمونه دیگری از یادگارنویسی سیاح اروپایی ناشناس بر کاخ دروازه همه ملتها

مضرات وندالیسم برای عموم جامعه باشند تا علاوه بر انجام رسالت خود به عنوان یک کارشناس فرهنگی در جامعه به حفاظت از میراث فرهنگی بشری که متعلق به همه مردم است بپردازند.

نقش رسانه ها نیز در این راه بسیار حساس و البته سازنده است چرا که در دنیای کنونی هیچ ابزاری بیشتر و بهتر از رسانه نمی تواند بر اطلاع رسانی، آموزش و ساخت چابوب ذهنی و رفتاری مخاطبان موثر باشد.

یکی از مهمترین عوامل موثر در حفظ و صیانت از آثار تاریخی افزایش آگاهی عمومی نسبت به ارزش های معنوی و نقش آنها در شکل گیری شخصیت فرهنگی یک ملت است، لیکن برای نیل به این منظور تنها شناخت علمی از اثر کافی نیست و نوعی از شناخت تقویت کننده علاقه و دوستی با آثار تاریخی - فرهنگی نیاز است که این شناخت را رسانه ها و نهاد های فرهنگی به عنوان یک عزم ملی از طریق جامعه پذیری و درونی کردن آیین ها، آداب و رسوم، تشریفات، عادت ها و سنت های اجتماعی و به طور کلی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس می توانند به عموم جامعه منتقل کنند.

متولیان فرهنگ، رسانه ها و گروه های فرهنگی و دوستدار آثار تاریخی به خصوص نهاد های محلی می توانند با به تصویر کشیدن چهره ناخوشایند آثاری که مورد هجوم وندالها قرار گرفته اند و نتایج منفی آن بر جامعه ضمن تاثیر گذاری بر مرتکبان در افراد بومی منطقه ایجاد حساسیت نموده و آنها را ترغیب به همکاری در حفاظت بیشتر از این اماکن و آثار نمایند.

کلام آخر اینکه، در روزگاری که کمتر شاهد ساخت بناهایی با معماری منحصر به فرد و ارزشمند و خلق آثار فاخر فرهنگی در کشور هستیم، به نظر می رسد توجه به صیانت و حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی موجود، حداقل وظیفه ای است که در قبال نسل های آینده، بر دوش داریم و کمترین کارکرد ما رساندن این امانت های ارزشمند پیشینیان به آیندگان است.

رسانی برای جلوگیری از بروز رفتارهای مخرب اینچنینی باید در اولویت اقدامات باشد.

تخریب این آثار به بهانه یادگاری نوشتن، در واقع زنده کردن خاطرات یک سفر یا بازدید نیست بلکه رد پای شومی است که نه تنها نسل کنونی بلکه نسل های بعدی نیز از آن به نیکی یاد نخواهند کرد.

افرادی که از آثار تاریخی و فرهنگی دیدن می کنند در واقع متفاوتند. یک دسته کسانی که با شناخت کافی از آثار بازدید می کنند و در طول بازدید ضمن احترام به اثر تاریخی تمام تلاش خود را برای خودداری از هرگونه آسیب به آن به کار می گیرند لیکن دسته دیگر را افرادی تشکیل می دهند که به صورت بی هدف، گذری و بدون آگاهی از ارزش های فرهنگی اثر از آن بازدید می کنند و در اغلب موارد چنین افرادی هستند که اگر پیش آید از تخریب گری و وارد کردن آسیب به مکان فرهنگی دریغ نمی کنند. هر چند در سال های اخیر آسیب های عمدی به آثار تاریخی در قالب کاوش های غیر مجاز در سودای تحصیل اشیاء تاریخی و تب گنج یابی نتایج مخربی را به همراه داشته و در برخی موارد یک اثر تاریخی را به کلی نابود کرده است. اینجاست که لزوم معرفی آثار تاریخی و فرهنگی به روش های گوناگون و آموزش و آگاهی رسانی عمومی می تواند نجات بخش باشد.

نقش آموزش در جامعه به روش های مختلف بسیار مهم است و البته آموزش از طریق مراجع آموزشی مانند مدرسه کافی نیست و معمولا فرهنگ سازی و آموزش اجتماعی و همگانی است که موثر و درمانگر است. البته نقش کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و آموزش توسط پدر و مادر را نباید فراموش کرد. در واقع در بیشتر موارد عدم آگاهی افراد حاصل عدم وجود آگاهی رسانی و آموزش فرهنگی کافی است.

معلمان، اساتید دانشگاهها، دانشجویان رشته های فرهنگی، گروه های مردم نهاد و... می توانند بهترین آموزگاران و سفیران برای انتقال اهمیت آثار تاریخی و



مستندنگاری این درگاه به عنوان بستری برای تهیه نقشه های آسیب نگاری با استفاده از عکاسی، تهیه ابرنقطه و مدل سه بعدی و نهایتاً ایجاد تصویر تخت دنبال شده است.

همچنین در مراحل اولیه آسیب نگاری در سال گذشته، آسیبهای اضطراری بنا مشخص و در فرصت مناسب حفاظت اضطراری شامل اقدامات وصالی، بند کشی و تزریق انجام شد.

پی نوشت: کاخ هدیش، منسوب به خشایارشا بر سینه سنگ و در جنوب صفاه تخت جمشید ساخته شده است. بر درگاههای بزرگ این کاخ، نقش خشایارشا با تاج صاف- بدون کنگره- دیده می شود که در زیر چتر شاهی و پیشاپیش چتردار، حوله دار و یا مگس پران دار به درون می روند و یا برون می آیند.

## آغاز مرمت درگاه شمال غربی کاخ هدیش در تخت جمشید

پس از انجام دقیق مستندنگاری و انجام مطالعات آسیب نگاری، عملیات مرمت درگاه شمال غربی کاخ هدیش توسط گروه حفاظت و مرمت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید آغاز شد.

و آثار ارزشمندش سال گذشته در نمایشگاه های تهران و شیراز توجه همگان را به خود جلب کرده بود، جدیدترین اثر هنری خود را در مراسمی به همت واحد صنایع دستی اداره میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی شهرستان مرودشت و پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در سالن تشریفات مجموعه میراث جهانی تخت جمشید رونمایی کرد.

ابراهیمی هنرمند نوظهور رشته حجاری سنگ در مورد این اثر گفت: سنگ مورد نظر خود را از کوه رحمت نقش رجب انتخاب کردم و بالغ بر ۳۰۰ ساعت یعنی حدود یک ماه بر روی آن کار کردم تا بتوانم سردیس محافظین گارد پادشاهی هخامنشی را باز زنده سازی نمایم.

حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز در این مراسم ضمن ابراز خشنودی از روند رو به رشد هنرهای دستی در سطح شهرستان مرودشت و تمجید از اثر زیبای پژمان ابراهیمی، مراتب حمایت پایگاه را از هنرمندان اعلام نمود.

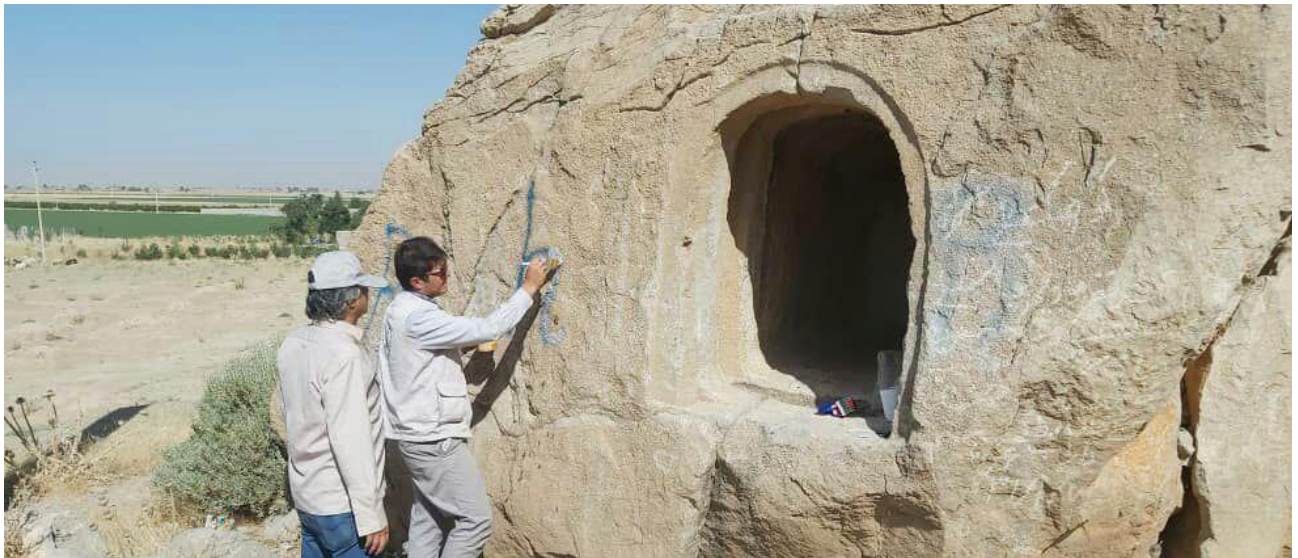
مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در بخش دیگری از سخنان خود برگزاری کلاس های آموزشی صنایع دستی در مجموعه تخت جمشید و دعوت از استادان مطرح کشوری در این کلاس ها و در اختیار قرار دادن فضایی مناسب در مجموعه تخت جمشید به هنرمندان صنایع دستی را در قالب کارگاه به منظور ارائه آثار خود به علاقه مندان، از جمله مهمترین برنامه های حمایتی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در رشد صنایع دستی و حمایت از هنرمندان آن دانست.



مراسم رونمایی از سردیس سرباز پارسی اثر هنرمند مرودشتی با حضور مدیران ارشد پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و مسئولین اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مرودشت و همچنین جمعی از هنرمندان مطرح صنایع دستی شهرستان در تاریخ سه شنبه، ۲۷ خرداد ۱۳۹۹ در محل سالن تشریفات مجموعه میراث جهانی تخت جمشید برگزار گردید.

پژمان ابراهیمی هنرمند حجاری سنگ و خالق این اثر ارزشمند که آثار بی نظیری بر روی سنگ حجاری کرده





## گوردخمه «آبشخور رستم» جانی دوباره گرفت

اما گاهی نیز مجبور بودیم از مواد رنگ بر استفاده کنیم. به طور معمول سنگ های تاریخی به ویژه آن هایی که در محیط باز هستند به دلیل عوامل آسیب رسان محیطی از جمله کج باران ها دچار آسیب های سطحی همانند انحلال در سطح و سوراخ سوراخ شدن می شوند. از سویی، زمانی که روی سطح آثار سنگی دارای خلل و فرج رنگ پاشیده می شود، رنگ دانه ها به همراه مواد چسباننده خود موسوم به بست به درون سوراخ ها رفته و گاه در بافت سنگ رخنه می کند.

شهرام رهبر افزود: « بیرون آوردن رنگ از حفره ها کاری دشوار ولی انجام پذیر است. اما هنگامی که کمی از رنگ، درون بافت سنگ رخنه می کند بیرون آوردن آن امکان پذیر نیست. هرچند که کار پاک سازی به خوبی و درست انجام شود، در فرجام رد رنگ پاک شده مدت ها برجای می ماند که البته از دور زیاد قابل تشخیص نیست.

ما برای پاک سازی باید مراقب سنگ تاریخی نیز باشیم تا در هنگام تمیزکاری سنگ آسیب نیند و لایه کهنگی روی سنگ پاک نشود. به هر روی باید دقت داشت که مواد مورد استفاده در پاکسازی پس از پایان کار به گونه کامل از سطح سنگ بیرون رود. به همین انگیزه ما در پایان هر روز کاری سطح سنگ را شست و شو می دادیم. این در حالی است که پس از پایان کار پاک سازی نیز شست و شو به گونه کامل انجام شد.»

شهرام رهبر در پایان افزود: « یک فرد می تواند در زمان چند ثانیه با یک اسپری رنگ روی یک یادمان تاریخی از خود یادگاری به جای گذارد و آن را خدشه دار کند، ولی پاک کردن آن صرف نظر از هزینه های زیاد، چندین روز زمان می برد. از همین روی بهتر است یادمان های تاریخی و فرهنگی کشورمان را با یادگاری نویسی، شعارنویسی و ... آلوده نکنیم.

گوردخمه نامدار به «آبشخور رستم» در شهر مرودشت که چندی پیش افراد فرومایه و نابخرد، با رنگ بر روی آن یادگاری نویسی کرده بودند، از سوی مرمت گران پایگاه میراث جهانی پارسه پاکسازی شد و جانی دوباره گرفت. حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در اینبار گفت: گوردخمه مذکور درون قطعه سنگی بزرگ در مجاورت جاده ارتباطی ایجاد شده است و به جهت جزئیات حجاری درب ورودی گوردخمه حایز اهمیت فراوان است. وی افزود: متأسفانه در طول سالهای گذشته یادگاری نویسی و رنگ پاشی که از مصادیق بارز هنر ستیزی است باعث آسیب به ارزش های تاریخی و منظره این اثر ثبت ملی شده بود.

آخرین مرحله از رنگ پاشی ها نیز مربوط به ماههای گذشته بود. لذا موضوع پاکسازی رنگ ها در برنامه واحد حفاظت و مرمت پایگاه قرار گرفت.

در همین زمینه شهرام رهبر مسئول کارگاه پاکسازی گوردخمه آبشخور رستم افزود: « کار پاکسازی گوردخمه نامدار به آبشخور رستم در حریم میراث جهانی پارسه با همکاری گروه حفاظت و مرمت تخت جمشید انجام شد. عملیات پاک سازی به همراه یک نفر مرمت گر تجربی انجام شد و پاکسازی حدود ده روز زمان برد.»

کارشناس مرمت پایگاه میراث جهانی پارسه و مسئول کارگاه پاک سازی گوردخمه نامدار به آبشخور رستم درباره موادی که برای پاکسازی به کار برده شده گفت: « پاک کردن رنگ به ویژه اسپری رنگ روی آثار سنگی تاریخی کار بسیار دشواری است. زیرا باید مراقب بود مواد مورد استفاده روی سطح سنگ تاریخی و منقوش، اثر نامطلوب برجای نگذارد. از سویی رنگ ها با حلال های ضعیف پاک نمی شوند. از همین روی مجبور بودیم برای پاک سازی از چندین مواد استفاده کنیم. از جمله استون، تینر و آب الکل حلال هایی بودند که مورد استفاده قرار گرفتند.

نیروهای فنی در حوزه های حفاظت و مرمت و باستان شناسی به سرپرستی مصطفی رخشنده خو بودند که این گروه پیش از این نیز تجربه مطالعه و حفاظت و مرمت را در محوطه نقش رستم در کارنامه خود دارند.

کارشناس پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و سرپرست این کارگاه نیز در ادامه مطرح کرد: حفاظت از آثار تاریخی در عصر حاضر که با تاثیر فزاینده و مخرب آلودگی های زیست محیطی مواجه هستیم، یک ضرورت حیاتی است، بنابراین حفاظت و حراست از این آثار، صیانت از فرهنگ و تمدن ما محسوب می شود که از شاخص ترین این آثار، کتیبه های شاپور اول ساسانی در غار حاجی آباد نقش رستم می باشد که کتیبه هایی با زبان پهلوی ساسانی و پارسی را در خود جای داده است و در باب مضمون آن نیز، شاپور اول ابتدا نام و عنوان خود و پدر و جدش را ذکر می کند و سپس درباره تیراندازی خود سخن به میان می آورد و در انتها کتیبه با جمله دعایی پایان می گیرد. مصطفی رخشنده خو افزود: آسیب های گسترده ای به واسطه تاثیر عوامل طبیعی و انسانی بر کالبد اثر وارد گشته بود که از جمله می توان به ایجاد تیرگی های سطوح داخلی غار و کتیبه ها، وجود رگه های انحلالی در پیشانی غار و حرکت آب های سطحی به سمت کتیبه ها، استفاده از این فضا در سال های متمادی جهت آغل احشام، یادگاری نویسی با رنگ های صنعتی از دهه های گذشته تاکنون و ... اشاره کرد، لذا جهت نجات بخشی این کتیبه های ارزشمند، فعالیت های حفاظتی، مرمتی و ساماندهی در دستور کار قرار گرفت و در طول بیش از یک ماه فعالیت این گروه با لحاظ نکات فنی، کار حفاظت کتیبه و ساماندهی محیط اثر، به انجام رسید. وی در پایان گفت: سرفصل مهمترین اقدامات انجام شده نجات بخشی در این محوطه ارزشمند تاریخی شامل پاکسازی تیرگی فضای داخلی غار و کتیبه ها، کنترل آب های سطحی، پاکسازی رنگ های صنعتی، مرمت کتیبه ها با مواد نوین مرمت سنگ و با رعایت اصول و مبانی حفاظت و مرمت، پاکسازی عرصه اثر از فضولات حیوانی، تصحیح و رنگ آمیزی فنس کشی ورودی غار و نصب تابلوهای راهنمای اثر بوده است.



## کتیبه های شاپور اول در مرودشت از خطر تخریب نجات یافت

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اعلام این خبر گفت: کارگاه نجات بخشی کتیبه های شاپور اول در حاجی آباد نقش رستم واقع در شهرستان مرودشت با موفقیت به پایان رسید و این کتیبه ها از خطر تخریب نجات یافت.

حمید فدایی افزود: غار حاجی آباد به همراه سنگ نیشته های ساسانی خود نه فقط یک اثر تاریخی بلکه به عنوان یک منظر فرهنگی طبیعی با روابط پیچیده تاریخی از ادوار پیش از تاریخ تا عصر حاضر، شناخته می شود. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در خصوص برنامه های حفاظت و مرمت پایگاه برای این اثر تاریخی بیان کرد: برنامه حفاظت از کتیبه های غار حاجی آباد بر پاکسازی تیره گی های طبیعی ایجاد شده در سطح کتیبه و صخره و همچنین پاکسازی رنگ پاشی و یادگار نویسی های انجام شده در طول دهه های گذشته بر سطح اثر متمرکز شد، همچنین بخشی از برنامه مربوط به اقدامات ساماندهی در عرصه اثر بود. وی ادامه داد: مجموعه این اقدامات در باطن، لزوم توجه و برنامه ریزی بیشتر در این منظر گسترده فرهنگی و طبیعی را یادآور و همچنین حفاظت بهتر از چنین پهنه منحصر به فردی را متذکر می شود. وی پایان کارگاه نجات بخشی کتیبه های شاپور اول در حاجی آباد نقش رستم را موفقیت آمیز دانست و در این باره گفت: گروه مجرب همکار در این برنامه متشکل از کارشناسان، استادکاران و



بعد از پاکسازی و مرمت



قبل از پاکسازی و مرمت

عملیات انتقال ۱۷ شیء تاریخی مکشوفه از دشت مرو دشت با هدف حفاظت و نمایش آثار سنگی موجود در مجموعه درگاههای کاخ ملکه، با همکاری گروه حفاظت و مرمت، باستان شناسی، دفتر فنی پایگاه، واحد تاسیسات و فن آوری اطلاعات مجموعه میراث جهانی تخت جمشید





### یافته‌های نوین خبر از نبوغ هخامنشیان در نقش رستم دارد

تا ماه‌ها پس از بارندگی همچنان ریزش آب در فضای آرامگاهها مشاهده می‌شود و انحلال سنگ‌های کربناته تهدید جدی در نمای آرامگاه و فضای داخلی آن محسوب می‌شود.

آرامگاه خشایارشا در نقش رستم و تزئینات سنگی آن بر اثر عوامل طبیعی به ویژه نفوذ رطوبت حاصل از بارندگی ها در بام آرامگاه دچار فرسایش شده به گونه ای که



دکتر حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در زمینه رفع مشکلات رطوبتی آرامگاه خشایارشا و صیانت بهتر از این میراث ارزشمند افزود: مطالعه هندسی شکستگی ها در بالای کوه حسین ابرزای پایه جهت شناخت عوامل زمین شناسی موثر در تخریب تدریجی آثار و نقوش آرامگاههای نقش رستم به شمار می رود. بر پایه چنین شناختی که در حال حاضر با همکاری دانشگاه شیراز در حال انجام است می توان روش های درمان و حفاظت را پیشنهاد نمود.

وی افزود: با آغاز فعالیت های اجرایی واحد حفاظت و مرمت و پاکسازی درزه های واقع بر بام آرامگاه خشایارشا موادی از مشتقات قیری که جهت کنترل رطوبت در رگه های انحلالی توسط هخامنشیان مورد استفاده قرار گرفته بود شناسایی گردید که در نوع خود بی نظیر است.

رخشنده خو ادامه داد رگه های انحلالی در زمان هخامنشیان در صخره وجود داشته اند و هخامنشیان با هوشیاری کامل و با مواد ذکر شده اقدام به کنترل رطوبت از فراز آرامگاه نموده اند. شایان ذکر است روش هخامنشیان جهت کنترل رطوبت در آرامگاهها متفاوت و هر آرامگاه شیوه و روش خاص خود را دارد.

مصطفی رخشنده خو مدیر داخلی مجموعه نقش رستم نیز در همین باره گفت: مطالعات ژئوفیزیک (GPR) در محدوده آرامگاه با همکاری گروه مشترک زمین شناسی دانشگاه شیراز انجام شد که با شناسایی عوارض مختلف زمین شناسی و ژئومورفولوژیکی طی برداشت های میدانی

درمان و حفاظت را پیشنهاد نمود.





## پاکسازی مجموعه میراث جهانی پاسارگاد از علفهای هرز

پاکسازی محوطه میراث جهانی پاسارگاد از علفهای هرز طبق روال هر ساله در حال انجام است. این عملیات برای جلوگیری از خطرات آتش سوزی و به حداقل رساندن آسیب‌هایی که می‌تواند متوجه آثار و بقایای معماری گردد، انجام می‌گیرد. علف زنی در محدوده کاخ‌ها و آبراهه‌ها به روش دستی انجام می‌پذیرد تا آسیبی به بناهای تاریخی وارد نشود و در محوطه بین کاخ‌ها و محدوده فنس کشی شده، از ماشین‌های کشاورزی مثل کمباین و تراکتور استفاده به عمل می‌آید. امسال مساحتی در حدود ۸۰ هکتار مورد عملیات پاکسازی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مطالعه پوشش گیاهی مجموعه به منظور اتخاذ تدابیر حفاظتی در خور و پیشگیرانه در قالب طرح پژوهشی رساله دکتری در حال انجام است.



حین پاکسازی اطراف کاروانسرای پاسارگاد



بعد از پاکسازی اطراف کاروانسرای پاسارگاد

## افشین ابراهیمی - مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد خبر داد:

معرفی برخی از اقدامات انجام گرفته در راستای ساماندهی مجموعه پاسارگاد



## تعویض و نوسازی پوشش‌های حفاظتی درگاه‌های کاخ بارعام و نقش برجسته انسان بالدار

با گذشت چهار سال از مسقف‌سازی درگاه‌های شش گانه کاخ بارعام و نقش برجسته انسان بالدار در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد با استفاده از نوع خاصی از برزنت، این پوشش‌ها به مرور زمان عملاً عملکرد حفاظتی خود را از دست داده، با به نمایش گذاشتن چهره نامناسبی از اثر، آشفته‌گی زیادی در محل به وجود آورده بودند. به همین منظور در راستای ساماندهی و مناسب‌سازی عناصر میلمانی مجموعه، نسبت به برچیدن این پوشش‌ها و جایگزین کردن آنها با ورق‌های پلی‌کربنات اقدام گردید. همزمان با این جابجایی، تغییراتی نیز در ابعاد و ارتفاع پوشش‌ها صورت گرفت تا کمترین خدشه به چهره معماری و سیمای تاریخی اثر وارد گردد. مقاومت در برابر عبور امواج یو وی و تامین شرایط بهینه محیطی (نور، دما، سایه) از ویژگی‌های بارز این نمونه از پوشش‌ها است. در مورد نقش برجسته انسان بالدار البته مقرر است در آینده‌ای نزدیک و با همکاری گروه ایتالیایی، پوشش حفاظتی پلی‌کربناتی به پنل‌های خورشیدی مجهز گردد تا از برق تولیدی برای نورپردازی اثر و کاخ دروازه استفاده شود.





### بهسازی حفاظ شیشه ای پیرامون آرامگاه کوروش

با گذشت یک دهه از اجرای حفاظ شیشه ای در اطراف آرامگاه کوروش در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد، این سازه علیرغم برخورداری از پاره ای ویژگی های فنی مطلوب و رعایت معیارهای همسو و متناسب با ارزش های اثر، لیکن به سبب فرسودگی شدید و تغییر شکل پایه چوبی نگهدارنده و همچنین شناور بودن آن بر سطح شنی صفا آرامگاه که جدا شدن مداوم قطعات و شکستن پی در پی شیشه های سکوریتی را به دنبال داشته، چاره ای جز تعویض مصالح و بازنگری در روند ساخت حفاظ باقی نگذاشته است. به همین خاطر طرح بهسازی حفاظ شیشه ای آرامگاه با هدف برطرف کردن ضعف های موجود، عملکرد حفاظتی بهتر و آراستگی بیشتر، اخیراً به اجرا گذاشته شده است. همزمان با این عملیات، مرز حفاظ تا آرامگاه از هر چهار طرف، دو متر به عقب کشیده می شود و اینگونه، محدوده گسترده تری (حدود یک و نیم برابر وسعت فعلی)، در حلقه استحفاظی حفاظ جدید محصور خواهد شد.



### ادامه پروژه ساماندهی صفا بنای برج سنگی مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

در راستای خواناسازی پلان معماری صفا برج سنگی و برطرف کردن آشفتگی های موجود، عملیات ساماندهی این بخش از مجموعه میراث جهانی پاسارگاد مشتمل بر: مستندسازی، قطعه یابی و وصالی در حال انجام است. وصالی بلوک ها و قطعات سنگی به دو صورت خشکه چین و یا به روش بین گذاری و استفاده از رزین انجام می گیرد. عملیات ساماندهی، بیشتر در جبهه شمال غربی بنا متمرکز شده است که هم نمای اصلی اثر را شامل می شود و هم شرایط مهمیتری را در اختیار قرار می دهد. در جریان عملیات ساماندهی که از خرداد ماه سال گذشته آغاز گردیده، شواهد و اطلاعات جدیدی از معماری بنا به دست آمده است.





## پوشش اضطراری کاروانسرای مظفری سید محمد حسینی و علیرضا هوشیار

مجموعه پاسارگاد استفاده شده و در برخی قسمت ها با ملات گچ به هم وصل شده اند. در زمان علی سامی ریاست بنگاه علمی و کاوشگر تخت جمشید و رئیس اداره باستان شناسی فارس، قسمتی از بنای کاروانسرا تعمیر و به دفتر فنی اختصاص داده شد. در حال حاضر بخش های زیادی از این بنا به دلیل متروکه ماندن و تحت تاثیر عوامل محیطی دچار تخریب و فروریختگی شده است. به همین منظور برای جلوگیری از تخریب بیشتر بنا که گذشته از اثر، امنیت بازدیدکنندگان را نیز به شدت تهدید می کند علاوه بر ایجاد حفاظ در پیرامون بنا برای ممانعت از ورود گردشگران، اقدام به ایجاد پوشش حفاظتی موقت بر روی قسمتی از بنا گردید تا در زمان مناسب، بر اساس طرح حفاظتی و مرمتی موجود، اقدامات اساسی لازم انجام گیرد.

سایبان های حفاظتی در بحث حفاظت از آثار و بناهای تاریخی راه حلی موقت، سریع، ساده، کم هزینه و برگشت پذیر با کارایی بالا هستند که به سرعت بنا را از گزند عوامل طبیعی و جوی جهت رسیدن به راهکار حفاظتی و مرمتی اصولی حفظ می کنند. هرچند بعضا در صورت استفاده از سایبان ها، آثار تاریخی تا حدی از نظر منظری تحت تاثیر قرار میگیرد اما در مواقع اضطراری استفاده از پوشش ها یا سایبان های حفاظتی نتایج رضایت بخشی به دنبال دارد. کاروانسرای مظفری یکی از بناهای به جای مانده از دوران آل مظفر در نزدیکی آرامگاه کوروش بزرگ است. برای ساخت این کاروانسرا بیشتر از سنگ کاخ های







نصب لوله ها جهت زیر سازی سقف



استفاده از جرثقیل جهت بالا گذاشتن صفحات ساندویچ پانل



نصب صفحات و اتمام کار

کرونا منجر به بسته شدن دو محوطه مهم جهانی تخت جمشید و پاسارگاد برای یک دوره دو ماهه گردید، اما موضوع میراث جهانی و جایگاه آن در آموزش و فرهنگ سازی به ذات امری تعطیل پذیر نیست.

وی افزود: بنابراین با برنامه ریزی انجام شده و همکاری مشترک با بنیان مطالعات امامی تلاش گردید پیوند کودکان با این دو محوطه مهم تاریخی در قالب مسابقه نقاشی مستحکم تر از گذشته گردد.

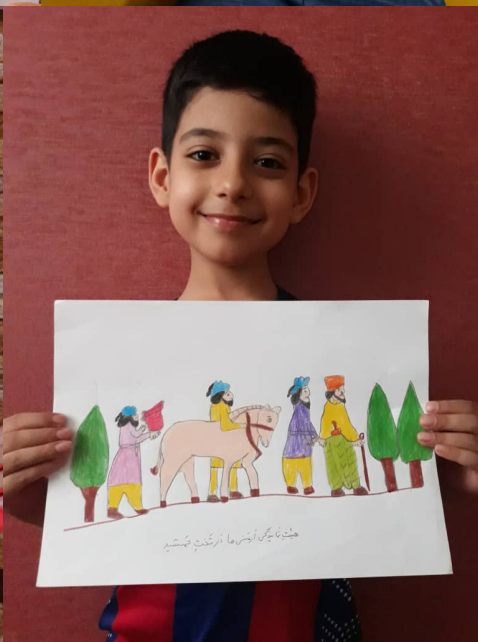
هرمز امامی مدیر بنیان مطالعات امامی نیز در اینباره گفت: هدف از برگزاری این مسابقه آشنایی و ارتباط بیشتر کودکان و نوجوانان با مجموعه بناهای میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد بویژه در ایام تعطیلات نوروز بود. چرا که به دلیل شیوع گسترده بیماری کرونا امکان بازدید از این دو مجموعه برای خانواده ها و کودکان میسر نبود. وی ادامه داد به تمامی افرادی که در این مسابقه شرکت نمودند و اصل نقاشی را به کتابخانه پایگاه میراث جهانی تخت جمشید ارسال کردند، جوایزی نقدی از طرف پایگاه پرداخت گردید.



**پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با همکاری و مشارکت موسسه بنیان مطالعات امامی، اولین دوره مسابقه نقاشی برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۵ سال را در شرایط کرونا و تعطیلی موزه ها و مراکز میراث فرهنگی به صورت مجازی برگزار کرد.**

حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اعلام این خبر گفت: اگرچه همه گیری ویروس

مریم اسدی استان کرمان شهرستان شهرپابک





## تعدادی از تصاویر گرفته شده از تخت جمشید و پاسارگاد توسط وادا شین ژاپنی در خلال سفرش به ایران سال های ۱۹۲۹ - ۱۹۳۰

فرزانه گرامی

وادا شین که نخستین عضو موسسه هنری بود، حمایت بنیاد کیمایکای را برای مطالعه اروپا تا شرق، شوروی و خاورمیانه با هدف مطالعه هنر آسیای شرقی از سپتامبر ۱۹۲۹ تا اردیبهشت سال بعد دریافت کرد. تمرکز این پروژه بر روی پژوهش و تهیه فیلم از ایران بود که نتیجه کار به عنوان "Iran Art Ruins" منتشر شد (Shin Wada, Shogakuin, ۱۹۴۵). مجموعه این تصاویر که در حین این سفر تهیه شده، در سال ۱۹۸۳ توسط وادا شین به موسسه تحقیقات ملی توکیو برای اشیا فرهنگی (Tokyo) National Research Institute (for Cultural Properties) اهدا می گردد.

و از بندر بوشهر به سمت عراق ادامه یافت. وادا شین در جایی نوشته است: "از آنجا که به نظر می رسد از آن زمان تغییرات در این مناطق بسیار چشمگیر بوده است، امیدوارم که این عکس ها به عنوان اسنادی که وضعیت واقعی این آثار و مناطق را در حدود سال ۱۹۳۰ نشان می دهد برای تحقیقات در این جهت مفید باشد."

زمان دقیق تصاویر هر منطقه به دلیل گم شدن سوابق موجود نیست، اما این سفر در ژانویه سال ۱۹۷۵ از تهران به سمت جنوب آغاز گردید. در این مسیر از اصفهان، پاسارگاد، نقش رستم، تخت جمشید، شیراز و غیره بازدید و عکاسی شد







Photographer: Afshin Ariafar  
Spring, Rainbow, Pasargadae /C.R



## پروفسور شهریار عدل به تنهایی خود لشکری بود برای این خاک

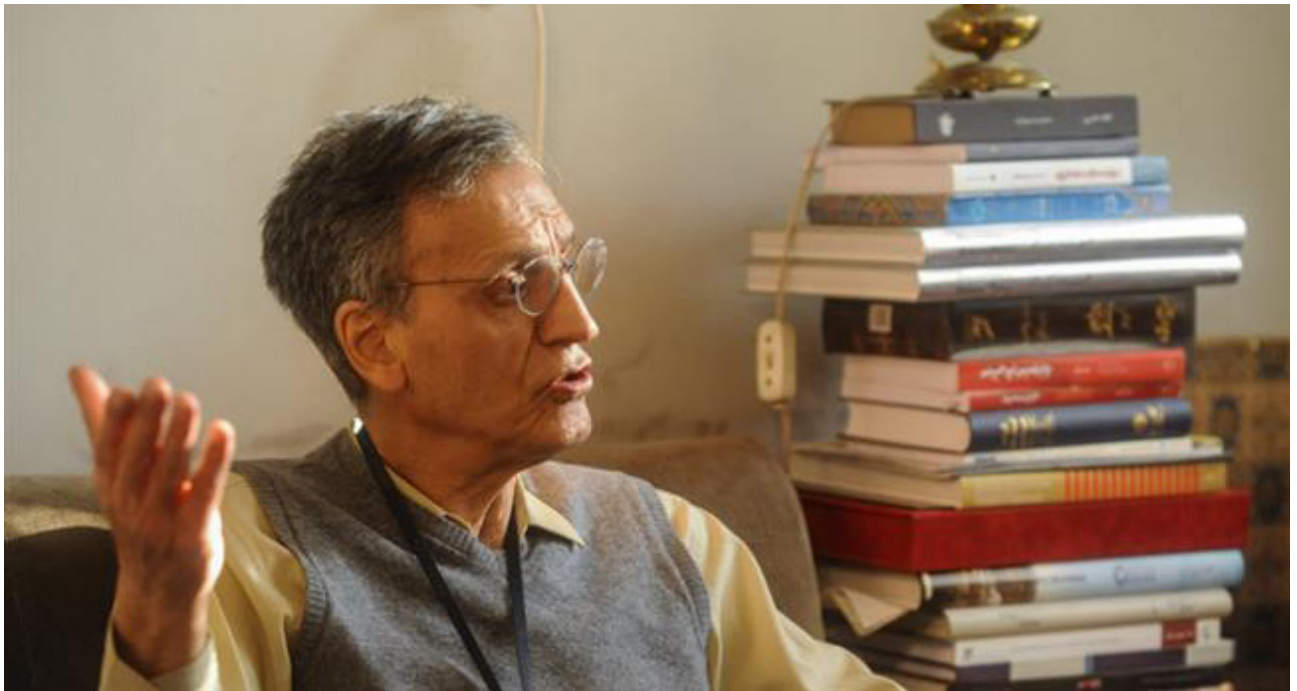
۳۱ خرداد ۱۳۹۴ سالروز درگذشت مردی است که رد پای او همیشه در میراث فرهنگی و تاریخ ایران خواهد ماند. ثبت تخت جمشید، چغازنبیل و نقش جهان در فهرست میراث جهانی با سرمایه شخصی، بنیان‌گذاری کمیته آسیای میانه در یونسکو، سامان‌دهی فیلم خانه کاخ گلستان و... از اندک کارهای مردی است که مرگش ۵ ساله شد.

به همین مناسبت بخش گزارش یک دیدار این شماره از فصلنامه خبری پارسه - پاسارگاد را به مطلبی از زبان زنده یاد شهریار عدل، فقید باستان‌شناسی ایران اختصاص خواهیم داد که در آن داستان ثبت تخت جمشید، نقش جهان و چغازنبیل در یونسکو را بازگو می‌کند.

در این میان نامه ای به مراجع عالی‌تر ایران رسید که ثبت آثار ایران در فهرست جهانی بهانه ای است برای فعالیت‌های ضد انقلاب. این نامه را پنج تن از اعضای مرکز باستان‌شناسی ایران امضا کرده بودند. بقیه اعضا مانند آقای یحیی کوثری از امضای آن خودداری کردند. معهدا نامه کار خودش را کرد. چون وزارت فرهنگ و هنر که موقعیت ضعیفی داشت، عقب نشینی کرد. آقای باقرزاده و آیت الله شیرازی کنار رفتند. از آن جایی که ثبت این آثار به ویژه تخت جمشید در آن زمان حیاتی بود به کمک تنی چند از بلندپایگان انقلاب، من با معرفی دولت انقلابی ایران ولی به هزینه شخصی به مصر رفتم. این سه اثر به ثبت رسید. اما این رفتار زشت اثر بدی گذاشت به طوری که تا بیست سال بعد کسی به دنبال ثبت آثار ایران نرفت.

نکته مهم در ثبت سه اثر تخت جمشید، میدان نقش جهان و زیگورات چغازنبیل در این بود که تهیه پرونده در آن زمان به صورت امروزی نبود. الان این پرونده‌ها مانند پرونده کلیساها بسیار مشکل است و هر کدام به چندین جلد می‌رسد. در حالی که پرونده میدان نقش جهان با عکس هشت صفحه بود. البته این نکته خالی از لطف نیست که با توجه به اینکه ایران از پایه گذاران ثبت آثار تاریخی بود و نخستین رئیس این اجلاس یک ایرانی بود، کمتر توانست از آن بهره‌بردار

۱۹ نوامبر ۱۹۷۲ یعنی ۳۸ سال پیش میثاق محافظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان به تصویب مجمع عمومی یونسکو رسید. پنج سال بعد نخستین جلسه بین‌الدولی آن از تاریخ ۲۷ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۷۷ در پاریس تشکیل شد. آقای فیروز باقرزاده که ریاست مرکز باستان‌شناسی ایران را بر عهده داشت به ریاست آن جلسه انتخاب شد. انتخاب آقای باقرزاده به این سمت به علت نقش فعال ایران در سطح جهانی و البته شخصیت خود آقای باقرزاده بود. سال بعد دومین جلسه کمیته از ۵ تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) در واشنگتن تشکیل شد. باز آقای باقرزاده در آن جلسه شرکت داشتند و ۱۲ اثر جهانی برای اولین بار به ثبت رسید که بیشتر طبیعی بودند مثل پارک یل استون در آمریکا و جزایر گالاپاگوس از آثار فرهنگی مرکز شهر کراکف در لهستان و کلیسای آخن در آلمان که در این دوره ثبت شدند. چند ماه بعد در بهمن ۱۳۵۷ یعنی فوریه ۱۹۷۹ در ایران انقلاب شد و دکتر پرویز ورجاوند به قائم مقامی وزارت فرهنگ و هنر منصوب شد. در سال ۵۸ قرار شد یک هیات از سوی ایران با حضور آقای باقرزاده، باقر آیت الله زاده شیرازی و من برای شرکت و دفاع از پرونده‌های ایران مرکب از تخت جمشید، زیگورات چغازنبیل و میدان نقش جهان اصفهان به شهر الاحصر مصر بروند.



مانند این حرکت‌ها آن تجاوزها به ویژه تجاوز به شهرهای تاریخی به پایان رسید.

الان ثبت جهانی آثار با توجه به حساسیت مردم به این موضوع به صورت یک مساله ملی در آمده است. تصور می‌شود که اگر یک پرونده مردود شود به حیثیت ملی ایران لطمه می‌خورد. این دید درست نیست. به این دلیل که پرونده‌های کشورهایی که قدرت‌های جهانی اقتصاد هستند تا به حال بسیار رد شده، حال اینکه تا به حال پرونده‌ای از ما رد نشده است. اما بالاخره روزی این اتفاق خواهد افتاد. باید به این امر کاملاً توجه شود که رد شدن پرونده بر دو نوع است؛ یکی زمانی است که یونسکو یا مرکز میراث جهانی به کشوری اعلام می‌کند که پرونده شما نقص فنی دارد و نتوانستید یک پرونده کامل را تهیه کنید. این بسیار بد است که یک کشور قادر نیست یک پرونده را به صورت مطلوب جهانی آماده کند. این اتفاق برای نوروژ و پرونده کلیساها افتاد. این کار را عقب می‌اندازد اما مردود نیست. اما حالت دوم این است که زمانی در کمیته یک اثر ثبت می‌شود، هیات داور بین‌المللی آن پرونده را رد می‌کند. آن زمانی است که کمیته میراث جهانی تصمیم گرفته یک پرونده را رد کند. این موضوع پیش می‌آید مانند شرکت یک فیلم در فستیوال کن یا اسکار است؛ یک عده داور تصمیم می‌گیرند جایزه بدهند یا خیر. در کمیته میراث جهانی هم این چنین است. این یک قضاوت است، ربطی به حیثیت کشورها ندارد.

منبع:

بخارا، خرداد و شهریور ۱۳۸۶، شماره ۶۲

یادش گرامی و روانش به مینو آرام باد.

در سال‌های ابتدایی تشکیل کمیته میراث جهانی آثاری که مطرح می‌شد بدون تردید جزء میراث جهانی بود. همزمان با سه پرونده ما اهرام ثلاثه مصر نیز به ثبت رسید. در واقع آن زمان پرونده‌هایی مطرح می‌شد که کسی جرأت نمی‌کرد آن را رد کند. حتی اگر یک ورق بود ثبت می‌شد.

در سال ۱۳۸۲ به همت آقای جلیل گلشن در زمان ریاست آقای مهندس بهشتی در سازمان میراث فرهنگی مساله ثبت آثار تاریخی بار دیگر مطرح و از سر گرفته شد و همچنان تا امروز پیگیری می‌شود. امروز آقای مشایی رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور، آقای طه هاشمی و مهندس دولت آبادی و مهندس خدام زاده از نزدیک مسائل را پیگیری می‌کنند. آقای گلشن همچنان همکاری دارند و خانم شیرین روحانی.

به عنوان پایان کلام این موضوع را باید عنوان کنم که فکر نکنید نخستین سود ثبت آثار به تخت جمشید رسید. خیر! اصفهان نخستین بهره‌بردار بود. چون ادامه وقایع این چنین بود که به دنبال حمله عراق به ایران و بمباران شهرها اصفهان نیز مورد تجاوز قرار گرفت و یک موشک عراقی به مسجد جامع اصفهان اصابت کرد و بخشی از طاق و ستون‌های آن فرو ریخت. امروزه اینها مرمت شده و اگر کسی نداند که کجاست پیدایش نمی‌کند. در همان زمان با آقای سورن ملکیان که در آن زمان از بزرگترین دانشمندان ایران شناس و از ستون‌نویس‌های روزنامه هرالد تریبون اینترنشنال بود، این تجاوز را با عکس به صفحه اول روزنامه بردیم. این خبر غوغا کرد. پس از آن هم البته به دلیل جانبازی ایرانیان و حرکت‌هایی



بقایای ساختار معماری کوه یعقوب

## کوه یعقوب، اثری اسلامی یا هخامنشی؟

فرهاد زارعی کردشولی و حمیدرضا کرمی  
کارشناسان پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

چیده شده و فضایی شبیه به یک اتاقک کوچک به درازای ۲ متر (شمال شرقی - جنوب غربی) و پهنای یک و نیم متر (جنوب شرقی - شمال غربی) با عمق یک متر را ایجاد کرده است. متاسفانه این ساختار معماری توسط حفاران غیرمجاز و تخریب کنندگان آثار تاریخی - فرهنگی مورد تخریب و آسیب قرار گرفته است و بلوکهای سنگی از جای خود جابجا شده است. زمان ساخت دقیق این ساختار و کاربری آن کاملاً مشخص نیست، اما با توجه به بلوک ها (از لحاظ تراش و جنس) و وجود تعداد کمی سفال شاخص ممکن است این بنا در دوره هخامنشی ساخته شده باشد.

آنچه هم اکنون موجب اهمیت این تپه سنگی شده است اعتقاد و باوری است که مردم منطقه به این اثر طبیعی و تاریخی دارند. در آستانه نوروز اهالی پاسارگاد در آغاز سال نو به این کوه می روند و سال نو را با طبیعت در این مکان آغاز می کنند. به باور مردم این کوه به عنوان قدمگاه حضرت یعقوب شناخته می شود و هر ساله در ماههای محرم مراسم عزاداری عاشورا و تاسوعا بر بلندای این کوه به ویژه از سوی اهالی روستای ابوالوردی برگزار می گردد. پختن نذری و پخش آن بین مردمی که در این روز به بالای کوه می آیند و نیز نذر و نیاز

در فاصله ۱۱۰۰ متری شمال محوطه پاسارگاد، تپه سنگی به بلندای ۲۱۰۰ متر از سطح دریا در میان روستای ابوالوردی و دهنو قرار دارد. این کوه حدود یک و نیم کیلومتر طول (شرقی - غربی) و ۸۷۰ متر عرض (شمالی - جنوبی) دارد که در میان اهالی پاسارگاد بنام کوه پیر یعقوب معروف شده است. اگر در دشت پاسارگاد از روی صفه تل تخت اطراف را بنگریم، این کوه تنها عارضه طبیعی است که دارای پوشش نسبتاً نیمه متراکم از درختان بنه (پسته کوهی)، بادام و کیکوم (افرا کوهی) و درختچه های خوشک و تانگز است. این تپه سنگی به دلیل قرارگیری در میانه دشت پاسارگاد همواره مورد توجه بوده است و استقرارهای مختلفی از ادوار گذشته (هخامنشی، فرا هخامنشی، ساسانی و دوره اسلامی (قرون میانه و متاخر اسلامی) بر بلندای آن ایجاد شده است.

بر بلندای این کوه، استقرار از دوران تاریخی (احتمالاً هخامنشی) شناسایی شده که سازه معماری است با تعدادی بلوک سنگی سفید از جنس سنگ آهکی که نمونه آن در بناهای پاسارگاد استفاده شده است. سازه معماری از سطح زمین هم حدود یک متر بلندای دارد و بلوک های سفید به صورت خشکه چین در کنار هم





نمایی از کوه یعقوب در دشت پاسارگاد، دید از جنوب غرب

سابقه انجام چنین مراسم‌هایی در دوره اسلامی بر ما معلوم نیست و مشخص نیست از چه زمانی این کوه بنام پیر یعقوب معروف شده است ولی در بررسی‌های سطحی پیرامون این کوه مقدس، قطعه سفالهای لعابدار با لعاب سبز و آبی شاخص دوره اسلامی متاخر بدست آمده است. به دلیل اهمیت این کوه و جایگاه آن نزد اهالی پاسارگاد، این اثر در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۸۴۹۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.

برای فرزند دار شدن و برکت مال و سرمایه از موارد دیگر اعتقادی مردم محل است. همین باور و تقدس موجب شده تا درختان و گیاهان کوه یعقوب مورد حفاظت و مراقبت مردم منطقه قرار گیرد. در باور مردم نباید هیچ شاخه و برگ‌گی از درختان چیده شود و به خانه آورده شود اما در محل کوه می‌توان از میوه درختان بنه و بادام کوهی استفاده کرد و جهت تهیه خوراک و چای از چوب درختان آتشی برپا کرد.



برپایی مراسم عاشورا بر بلندای کوه یعقوب

شهرستان مرودشت در گذشته (و حتی اکنون) به دلیل اقلیم مناسب و آب و هوای مساعد برای زندگی ایلاتی و عشایری و وجود مراتع و چراگاه‌های غنی از علوفه، یکی از کانون‌های بیلاق و قشلاق بوده است. همین امر و رواج دامپروری گوسفندی یکی از عواملی بود که مردمان کوچ نشین و یکجا نشین دشت مرودشت را به هم مرتبط می‌کرد. خرید و فروش و داد و ستد محصولاتی که این دو قشر با یکدیگر داشتند، ملزومات زندگی طرفین را فراهم می‌ساخت. یکی از این داد و ستد‌ها، خرید پشم‌های گوسفندی روستاییان از عشایر منطقه به منظور استفاده و بهره‌مندی در تولید زیرانداز بود. روستاییان با خرید پشم و تبدیل آن به نوعی زیرانداز به نام نمَد، به سادگی، یک چرخه اقتصادی را رقم زده بودند که سود دو جانبه ای را برای طرفین فراهم کرده بود.



## نمد مالی، هنری کهن اما فراموش شده

اعظم (اولدوز) روستایی؛ مسئول صنایع دستی

صنایع دستی نمد مالی یکی از کهن‌ترین شیوه‌های فراهم‌سازی زیرانداز است که تا کنون شناخته شده است.



نمد نوعی بافته سنتی زیراندازی است که از پشم تولید می‌شود و در لغت به معنای پارچه ای کلفت است که از پشم مالیده می‌سازند. نمد ساده ترین نوع کف پوش است و ساخت آن احتیاج به دستگاه خاصی ندارد. در نمد مالی از خاصیت طبیعی پشم که عبارت از در هم پیچیده شدن الیاف آن در اثر رطوبت و فشار است استفاده می‌شود. احتمال دارد که اولین بار بافندگانی که الیاف پشمی خود را شسته و برای گرفتن رطوبت آن با چوبدستی ضربه‌هایی به پشم می‌زده‌اند، موفق به کشف این خصوصیت پشم و در نتیجه موفق به به وجود آوردن صنعت نمد مالی شده باشند.

از جمله خاستگاه تولید نمد در دشت مرودشت، می‌توان به روستای فتح آباد اشاره کرد. نمد مالی به ویژه در گذشته یکی از رشته‌های صنایع دستی غالب در این روستا بوده است که شوربختانه این هنر کهن، گام در مسیر فراموشی نهاده است. شاید دیگر کسی را می‌توان پیدا نمود که علاقه ای برای آموختن و یا ادامه این حرفه داشته باشد.

از جمله دلایل رکود این حرفه می‌توان به این مورد اشاره کرد که؛ مشتری نمد از قدیم، عشایری که کوچ می‌کرده‌اند بودند اما در حال حاضر اکثر این عشایر ثابت شده‌اند و به همین دلیل مشتری نمد کم و تولید آن از رونق افتاده است.

همچنین تولید نمد به شیوه سنتی به دلیل طاقت فرسا بودن و اینکه فرایندی مستمر و یدی را می‌طلبد؛ دیگر برای جوان امروزی که به انجام کارها به ساده‌ترین شیوه و صرف کمترین انرژی عادت کرده است، ایده و حرفه مطلوبی برای درآمد زایی نیست.

نمد در آسیا به ویژه در ایران از زمان‌های قدیم به عنوان لباس، کلاه، خیمه و زیرانداز به کار می‌رفته و در شرایطی سخت تولید می‌شده است. تهیه و ساخت نمد در ایران همچنان به صورت سنتی صورت می‌گیرد و هنرمند ایرانی با نقش و نگار و دستان توانمند و هنرمندانه خود بدان روح تازه‌ای می‌بخشد. نمدهای ایران، در هر منطقه از این سرزمین، رازی سر به مهر دارند که با شکل‌های تجریدی و نمادین و رنگ‌های برگرفته از طبیعت، بخشی از فرهنگ هنرهای عامیانه ما را تشکیل می‌دهند.

شهرستان مرودشت نیز در گذشته از این هنر کهن بی‌بهره نبوده و استادکارانی را در این صنعت دستی به خود دیده است. صنعتی که آمیخته با ذوق و هنر و حاصل تلاش مردمانی بوده است که تمام عشق خود را در خلق اثری هر چند در نگاه اول ساده، اما سرشار از زیبایی و صد البته سودمند به کار گرفته‌اند و محصولی را تولید کرده‌اند که در ساخت و پرداخت و ارائه، همگی از نیروی طبیعت بهره‌گرفته است.

از «استاد امان» خواستم که برایمان نمود مالی را در یکی دو جمله توضیح دهد و او با همان گویش روان و راحت خود اینطور برایم گفت: پشم را می گذارند روی زمین، می کوبندش به مشت، چهار زانو روی زمین به پشم فشار می آورند، تارهای پشم با هم یکی می شوند، پشم ها می پیچند به تن هم، انگار که از ابتدا یکی بودند.



و من با الهام از آن جملات، فرآیند تولید نمود را با دیدن کارگاه کوچک و ساده استاد امان اینگونه دیدم:

نمود را نمی بافند، بلکه با ایجاد فشار و رطوبت و حرارت، موجب درهم رفتن الیاف پشمی می شوند. دو خاصیت جعدیابی و پوسته ای شدن پشم امکان تولید نمود را فراهم می کنند. برای تهیه نمود، ابتدا نقش مورد نظر را با پشم های رنگی روی یک پارچه کرباس طراحی می کنند. سپس پشم حلاجی شده را روی تمام سطح پارچه قرار می دهند و پارچه کرباس را می پیچند. با ریختن آب جوش بر آن و فشردن مداوم کار، نمود تولید می شود. فرآیندی که از ابتدای کار با نجوایی موسیقیایی و خاص همراه است و برای نظم بخشیدن به کار هماهنگ، زمزمه می شود.

شغل نمود مالی یکی از قدیمی ترین حرفه هاست که اکنون تنها فقط نامی از آن باقی مانده است. اگر گذارتان به شهرستان مرودشت و روستای فتح آباد افتاد، «حاج امان اله زارعی» جزء معدودترین افرادی است که در حال حاضر در شهرستان مرودشت و در کارگاه کوچک و محقر خود، مشغول به نمود مالی است. وی معتقد است: اگرچه در این اوضاع و احوال اقتصادی تأمین مخارج زندگی برای امثال ما که به همچین حرفه هایی مشغول هستیم بسیار سخت شده ولی از شغل خود راضی هستیم و به برکت و روزی رسانی خداوند متعال ایمان دارم. او یک نمودمال قدیمی است با نیم قرن تجربه، تلاش و زحمت و مشقت همراه با عشق؛ از دوران کودکی کار خود را کنار پدر آغاز کرده و می گوید: من به این شغل «خو» گرفته ام.

#### منابع:

<http://www.bandpay.ir>

<https://seemorgh.com/culture/traditional-arts/139697-139697>





## تاریخچه بیماریهای عفونی و باکتریایی شایع در ایران

گردآوری: مهرناز بردبار

از باکتری های بیماری زا است. در عصر هخامنشیان و اشکانیان معتقد بودند که آب را باید جوشانند تا سبب از میان رفتن مواد بیماری زا شود و همچنین معتقد بودند اگر آب را قدری سرد و یا گرم کنند گوارا می شود و یا چنانچه آن را در ظرف مفرق و یا نقره ای بریزند سمیت آن از بین می رود. علی رغم ناآگاهی از وجود میکروارگانیسم ها در آب، این تجربه نشان می دهد که ایرانیان در اعصار گذشته به وجود اجرامی ناشناخته که می تواند باعث سمیت آب شود، آگاهی داشته اند و یا سرد و گرم کردن آب ما را به یاد روش پاستوریزاسیون برای زدودن باکتری های بیماری زا از مواد لبنی می اندازد و یا همان طور که می دانیم فلزات سنگین نظیر مفرق که آلیاژی از مس و قلع است و یا نقره، از عناصر شیمیایی ضد میکروبی است که امروزه برای از بین بردن میکروب ها مصارف فراوانی در بهداشت و ضدعفونی کننده ها دارد.

بنابراین زمانی تاریخ طبیعی یک بیماری عفونی به سادگی قابل تعریف است که به پس زمینه های تاریخی آن طی قرن ها با هدف توصیف بالینی توجه شود. اغلب ذکر چنین توصیف ها و شواهد کافی از بیماری برای دوره های زمانی طولانی زمینه ساز جداسازی و شناسایی عامل سببی آن بیماری عفونی بوده است. متأسفانه در حال حاضر در دانشکده های پزشکی و نیز در کتاب های مرجع کمتر درباره تاریخچه و سرآغاز بیماری های عفونی و واگیر صحبت می شود؛ به طوری که اکثر پزشکان، حتی آنها که در سطوح بالا تدریس و تحقیق می کنند، درباره تاریخچه این بیماری ها در ایران یا اطلاع چندانی ندارند و یا آن را جزء حاشیه های بحث های خود قلمداد می کنند

از روزی که آدمی در صدد دفع شر و زحمت و درد از خود برآمد، تاریخ طب شروع شد و احتمالاً فردی که توانسته درد را از خود و یا دیگری دفع کند، اولین طبیب بشر بوده است. ایرانیان باستان هر چند بیماری و درمان را امری ماوراء الطبیعه تلقی می کردند تلاش برای دستیابی به تندرستی را اقدامی دینی و پرهیزگارانه می پنداشتند، بلکه توصیه ها و آموزه های دینی ایرانیان درباره بیماری ها و چگونگی نگرش و مقابله با آنها نیز مبتنی بر تجربیات و آموخته های آنها بوده است. در آیین مزدیسنا نیالودن عناصر اربعه آتش، آب، هوا و خاک مقدس بوده است؛ به طوری که نیالودن آنها به خون و کثافات (حاصل از بیماری ها) حکمی مذهبی بود و رعایت نکردن آن علاوه بر اینکه آدمی را ناپاک می ساخت، مجازاتی وخیم نیز در پی داشته است. همچنین در کتاب های دینی مزدیسنا آمده که اثر لاشه دفن شده تا پنجاه سال در زمین باقی می ماند. از آنچه گفته شد، به نظر می رسد ایرانیان قدیم به عاملی ناشناخته و مرگ زا که سبب بروز بیماری و فساد لاشه می شود، اعتقاد داشته اند و به تجربه معلوم شده اثر عفونت ممکن است حتی تا پنجاه سال باقی بماند که به تعبیر امروز می توان آن را ناشی از اسپورباکتری ها دانست، یا در جایی دیگر از اهورا مزدا سؤال می شود که مرگ آورترین کردار مردمان کدام است؟ در پاسخ می گوید ((کسی که موی خویش را شانه زند و یا بتراشد یا ناخن های خود را بگیرد، موی و ناخن جدا شده از تن خود را ده ها قدم از آب و آتش و برسم دورتر نبرد))؛ زیرا آنها همچون لاشه مردار باعث انتشار آلودگی می شوند، که این موضوع را می توان به سرایت بیماری هایی همچون کچلی ناشی از قارچ ها و یا میکروب های زیر ناخن نسبت داد که منبع بسیاری

یا به عبارتی آبله کوبی معمول بوده است؛ به این ترتیب که پیرزنان، مقداری پوست خشک شده کبره زخم آبله ای را جمع کرده و در پارچه ای تمیز در صندوقچه خود نگهداری می کردند. در وقت لازم آن را روی سنگ ساییده و با کمی آب مخلوط می کردند. سپس قطره ای از این مخلوط را پشت دست، بین شصت و انگشت مجاور آن قرار داده و با سوزن محلول را داخل جلد می کردند. به این ترتیب اکثر کودکان از گزند آبله در امان می ماندند. ((شلیمر)) Johan Louis (Schlimmer)) که در سال ۱۲۸۰ ق (۱۸۳۶ م) سفری به بلوچستان داشته، می گوید مایه کوبی با آبله گاوی از زمان های بسیار دور در بلوچستان ایران رواج داشته است. او نقل می کند که در آنجا بچه هایی را که چند زخم اتفاقی در دست دارند، می فرستند تا زخم های آبله ای یک گاو آلوده به آبله را که معمولا به آسانی یافت می شود، دستکاری کنند و این کار را ((پوتوگاو: دستکاری با ترشحات گاو)) (Potogav) گویند.

آبله، وبا، جذام، طاعون، سل، تب مالت، تیفوس، تب راجعه، سیاه زخم، مخملک، مشمشه، دیفتری، سفلیس، تراخم، آنفولانزا، مالاریا، ایدز، هاری، ذات الریه، اسهال عفونی، ابولا، بیماری کروتزفلد جاکوب (جنون گاوی) ماربورگ، سندرم تنفسی خاورمیانه، تب دنگی، تب زرد، هانتا ویروس، سیاه سرفه، کزار، مننژیت، سارس، جزام، سرخک، زیکا و هم اکنون بیماری کرونا (کووید ۱۹) از جمله بیماری های عفونی و واگیرداری بوده اند که در ایران مشاهده شده و هزاران قربانی گرفته است.

شیوع بیماری کرونا در ایران و جهان را می توان تکرار تاریخ دانست؛ زیرا شیوع بیماری های واگیردار نکته جدیدی در تاریخ نیست. با این حال باید دانست که زمانه شیوع این بیماری ها، میزان مرگ و میر و آگاهی جمعی می تواند متفاوت از دیروز باشد. امروز که از کروناویروس سخن می گوئیم، دانش بجای خرافات، علم پزشکی جای درمان های محلی و رسانه های جمعی به عنوان تریبون های آگاه کننده در اختیار بشر است و با این داشته ها می توان این ویروس را شکست داد. به یاد داشته باشیم در گذشته بهداشت، آن حلقه گم شده در جامعه ایران بود که به افزایش مرگ و میر کمک می کرد. بنابراین توجه به بهداشت فردی را نیز نباید فراموش کرد.

#### منابع:

میرصالحیان، اکبر؛ دالوند، مصیب (۱۳۹۷) تاریخچه بیماریهای عفونی باکتریایی شایع در ایران، مجله میکروبی شناسی پزشکی ایران، سال ۱۲، ش. ۴. مهر- آبان، ص. ۲۳۱-۲۳۸

<https://shahraranews.ir/fa/news/19463>

که گاهی به صورت نکات سرگرم کننده و برای رفع خستگی کلاس تدریس می شود. در حالی که مطالعه تاریخچه بیماری های عفونی همچون وبا، سل، جذام و طاعون نشان می دهد چگونه ناکارآمدی حکام وقت، تعلل زبردستان آنها و جهل عمومی باعث کشتارهای گسترده ای می شد، کشتارهایی که حتی باعث رکود بازار، تعطیلی تجارت و تضعیف اقتدار ملی ایران می شده است.

اما موضع پیشگیری از بیماری ها و ضدعفونی و گندزدایی و حشره کشی (یا کشتن حیوانات موذی به طور عام) از موضوعات بسیار مهم و معتبر در بهداشت و طب ایران باستان است. البته باید یادآور شد که در آن دوران اطلاعات مربوط به خطرات ناشی از بیماری ها به ویژه بیماری های همه گیر برای ایرانیان باستان روشن و واضح نبود و عوامل انتشار آنها را نمی دانستند. در ایران باستان موقع بروز بیماری های واگیر یا به اصطلاح آن دوران ((بیماری های پرمگ))، طبق آداب و سنن به عمل ((برشونوم)) (Barchenume) متوسل می شدند که در حقیقت تجزیه و منفرد ساختن بیماران از مردم سالم طبق آیین و سنت خاصی بوده است. اگرچه انجام این تمهیدات نسبت به دوره خود شایسته تمجید است، ضدعفونی کردن به شکل امروزی در آن دوران وجود نداشته است. اصولا باید دانست نحوه ضدعفونی در زمان های گذشته به صورت روش های ابتدایی چون دود دادن، مومیایی کردن و خوشبو نگه داشتن اماکن انجام می شده است. در ایران باستان، زمین و خانه های آلوده، لاشه و امثال آنها را تا آنجا که مقدور بوده ضدعفونی می کردند و کلمه ((وژدائگری)) که در کتاب های مذهبی ایرانیان باستان چنان به پاکیزگی و زدودن بیماری و پلشتی ها تاکید و توجه داشتند که در جای جای کتاب های دینی آنها این موارد گنجانده شده است.

مهرداد ششم (ف ۶۳ ق.م) پادشاه ایرانی پونتوس (نزدیک دریای سیاه) هر روز مقدار کمی از زهر آرسنیک را نوش جان می کرد تا در مقابل این سم مقاوم شود و دیگران نتوانند او را مسموم کنند. وی به این سم عادت کرد و خو گرفتن نسبت به زهرها را ((میتریداتیسم)) (Mithridatism) گویند. وی را باید از پیشگامان دانش ایمنی شناسی به شمار آورد. این شیوه، تهیه نوعی شبه واکسن است. بهاء الدوله نیز در خلاصه التجارب بهترین راه مقابله با زهرها و حیوانات زهرناک را عادت کردن آنها به سم می داند: ((و اما طریق احتیاط از ورود سموم و از حیوانات سمی و موذی، اول آن است که به هر سم قوی عادت کنند تا از هیچ یک مضرت نیابند)). ... از قرن ها پیش در ایران و برخی از کشورهای خاورمیانه، آبله کوبی با استفاده از زخم های خشک شده آبله ای رواج داشت؛ مثلا در ایل سنگسری ((آوال برشیندتن)) (Avalbarshindetan) یعنی آبله خریدن



Photographer: Afshin Ariafar  
Persepolis Night / C.R

ICOM international council of museums



Museums for Equality:  
Diversity and Inclusion

INTERNATIONAL MUSEUM  
DAY

18  
may 2020

@ICOMofficial  
#IMD2020  
icom-museum

کمیته بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) در قطعنامه شماره ۵ دوازدهمین مجمع عمومی خود که در سال ۱۹۷۷ در مسکو برپا شد، روز ۱۸ می برابر با ۲۸ اردیبهشت را روز جهانی موزه‌ها نام‌گذاری کرده است.

شعار امسال ایکوم:

موزه‌ها برای برابری، تنوع و فراگیری

Museums for Equality, Diversity and Inclusion



دست‌سازهای صنایع دستی تنها کالاهایی برای مبادله نیستند، بلکه سفیرانی فرهنگی هستند که هیچگاه از انتقال پیام خود دست نمی‌کشند.

۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن) روز جهانی صنایع دستی بر هنرمندان و فعالان صنایع دستی مبارک